

Lesson 2

Management

For organizations to achieve intended goals, the operations of the organization must be managed in an efficient and effective way. So, the operations of every organization must be run by a management team. The verb manage comes from the Italian word *maneggiare* (to handle – especially a horse), which in turn derives from the Latin *manus* (hand). The French word *mesnagement* (later *menagement*) influenced the development in meaning of the English word management in the 17th and 18th centuries.

مدیریت

برای نیل به اهداف مورد نظر سازمان ها ، عملیات سازمان باید به طریق موثر و کارآمد مدیریت شود . بنابراین ، عملیات هر سازمان باید به وسیله تیم مدیریت اجرا شود . فعل *manage* از واژه ایتالیائی *maneggiare* (به معنی اداره کردن – به ویژه اسب) می آید ، که آن نیز از واژه لاتین *manus* (به معنی دست) گرفته شده است . واژه فرانسوی *mesnagement* (بعداً *management*) بر ایجاد واژه انگلیسی *management* در قرن های هفدهم و هیجدهم اثر گذاشت.

Business Environment

Business environment consists of all the outside institutions and forces that have and actual or potential interest or impact on the organizations' ability to achieve its objectives: competitive, economic, technological, political, legal, demographic, cultural, and ecosystem. Environmental forces create challenges and opportunities for the organization. The firm must continuously monitor and adapt to the environment if it is to survive and prosper. Managers must be able to anticipate this changing environment and develop the vision and competencies at all levels in their organizations to embrace this dynamic future.

محیط کسب و کار

محیط کسب و کار شامل همه نهادهای بیرونی و نیروهایی است که علاقه یا اثر واقعی یا بالقوه بر توانائی سازمان برای نیل به اهدافش دارد ؛ موسسات و نیروهای رقابتی ، اقتصادی ، تکنولوژیکی ، سیاسی ، قانونی ، جمعیتی ، فرهنگی و اکوسیستمی . نیروهای محیطی چالش ها و فرصت هایی را برای سازمان ایجاد می کند . سازمان اگر می خواهد زنده بماند و پیشرفت کند باید به طور پیوسته محیط را زیر نظر گرفته و خود را با آن سازگار نماید. مدیران باید بتوانند این محیط در حال تغییر را پیش بینی کرده و چشم انداز و شایستگی ها را برای استقبال از آینده ای پویا در همه سطوح سازمان ایجاد نمایند.

Nature of Managerial work

Management has the main task of innovating and of improving the functioning of organizations. In for-profit work, management has as its primary function the satisfaction of a range of stakeholders. In nonprofit management, add the importance of keeping the faith of donors.

ماهیت امر مدیریتی

مدیریت وظیفه اصلی نوآوری و بهبود عملکرد سازمان را دارد. اما، ممکن است در امور دیگری درگیر شود. در کار سودآور، مدیریت اعتماد طیفی از ذی نفعان را به عنوان وظیفه اصلی دارد. در مدیریت غیرانتفاعی، اهمیت حفظ اعتماد خاطر اهداکنندگان را اضافه کنید.

In most models of management/ governance, shareholders vote for the board of directors, and the board then hires senior management. Therefore, managers must retain the faith of those who elect them, retain the faith of those people that fund the organization, and retain the faith of those who work for the organization if they wish to retain their jobs.

در بیشتر مدل های مدیریت / حاکمیت، سهام داران به هیات مدیران رای می دهند و هیات سپس مدیریت ارشد را می گمارد. عمومی، خصوصی و بخش های داوطلب درخواست های مختلفی از مدیران دارند، اما همه مدیران اگر می خواهند شغل خود را نگهدارند باید رضایت خاطر آنها را که انتخابشان کردند، مردمی که سازمان را تامین وجه کردند و آنها را که برای سازمان کار می کنند حفظ کنند.

Management levels

The extent to which managers perform the functions of management varied by level in the management hierarchy. The term supervisor could be applied at all management levels of the organization to those who direct the work of others. In common usage, however, the title tends to be used only in the first level of the management hierarchy. If an organization were divided into top, middle, and lower managerial levels, the term generally applies to the lower level. The management of a large organization may usually have these three.

سطوح مدیریتی

حد و اندازه وظایفی که مدیریت انجام می دهد با سطح در سلسله مراتب مدیریتی تغییر می کند. اصطلاح سرپرست می تواند در همه سطوح سازمانی در باره همه آنها را که کار دیگران را هدایت می کنند به کار برده شود. اما در کاربرد معمول به نظر می رسد این اصطلاح فقط در سطح اول سلسله مراتب مدیریت به کار برده می شود. اگر یک سازمان به سطوح مدیریتی بالا، میانی، و پایین تقسیم شده باشد، اصطلاح سرپرست عموماً در باره سطح پائین به کار می رود. مدیریت یک سازمان بزرگ معمولاً ممکن است این سه سطح را داشته باشد.

Management Skills

In order to perform the functions of management and to assume multiple roles, managers must be skilled. Robert Katz identified three managerial skills that are essential to successful management: technical, human, and conceptual. Technical skill involves process or technique knowledge and proficiency. Human skill involves the ability to interact effectively with people. Conceptual skill involves the ability to interact effectively with people. Conceptual skill involves the formulation of ideas. Managers understand abstract relationships, develop ideas, and solve problems creatively. Thus technical skill deals with things, human skill concerns people, and conceptual skill has to do with ideas.

مهارت های مدیریتی

به منظور انجام وظایف مدیریت و فرض کردن نقش های چندگانه ، مدیران باید ماهر باشند . رابرت کاتز سه مهارت مدیریتی را شناسایی کرد که برای موفقیت مدیریت ضروری هستند : مهارت های فنی ، انسانی ، و فکری . مهارت فنی درگیر با فرایند یا دانش فنی و خبرگی است . مهارت انسانی با توانایی تعامل موثر با افراد درگیر است . مهارت فکری با صورت بندی ایده ها درگیر است . مدیران ارتباطات انتزاعی را می فهمند . ایده ها را به وجود می آورند و خلاقانه مشکلات را حل می کنند . بنابراین ، مهارت فنی با چیزها سرو کار دارد ، مهارت انسانی به افراد مربوط است و مهارت فکری به ایده ها می پردازد.

Managerial Functions

Managers work in a dynamic environment and must anticipate and adapt to challenges. They create and maintain an internal environment, commonly called the *organization*, so that others can work efficiently in it. Management operates through various functions. The job of every management involves what is known as the functions of management: *planning*, *organizing*, and *controlling*.

وظایف مدیریتی

مدیران در یک محیط پویا کار می کنند و باید چالش ها را پیش بینی کرده و با آن سازگار شوند . مدیران یک محیط داخلی که عرفاً سازمان نامیده می شود خلق کرده و نگهداری می کنند به طوری که دیگران بتوانند در آن محیط به طور کارآمد کار کنند . مدیریت از طریق وظایف متنوعی عمی می کند . کار هر مدیر درگیر با چیزی است که به عنوان وظایف مدیریت شناخته می شود: یعنی ، برنامه ریزی ، سازماندهی ، رهبری و کنترل . این وظایف هدف گرا ، مرتبط با هم و وابسته هستند .

Planning

Leaders are proactive. They make changes happen instead of reaction to changes. Planning refers to deciding what needs to happen in the future (today, next week, next month, next year, over the next five years, etc.) and generating plans for action. Every organization must plan for change in order to reach its ultimate goal. Effective planning helps organization adapt to change by identifying opportunities and avoiding problems.

برنامه ریزی

رهبران فعال هستند . آنها به جای واکنش به تغییر ، تغییر را رخ می دهند . برنامه ریزی اشاره دارد به تصمیم گیری برای آنچه لازم است در آینده (امروز ، هفته بعد ، ماه بعد ، سال بعد ، در پنج سال آینده ، و غیره) رخ دهد و تدوین کردن برنامه ها برای اجرا . هر سازمان به منظور رسیدن به هدف غائییش باید برای تغییر برنامه ریزی نماید . برنامه ریزی موثر به سازمان کمک می کند تا با شناسایی کردن فرصت ها و اجتناب از مشکلات خود را با تغییر سازگار کند . برنامه ریزی جهت وظایف دیگر مدیریت و کار گروهی را تعیین می کند .

Organizing

Organizing means making optimum use of the resources required enabling the successful carrying out the plans. A key issue in accomplishing the goals identified in the planning process is structuring the work of the organization. Organizations are groups of people, with ideas and resources, working toward common goals. The purpose of the organizing function is to make the best use of organization's resources to achieve organizational goals. Organizational structure is the formal decision-making framework by which tasks are divided, grouped, and coordinated.

سازماندهی

سازماندهی به معنی استفاده بهینه از منابع لازمی که اجرای موفقیت آمیز برنامه ها را ممکن می سازد است. مشکل کلیدی در رسیدن به اهداف تعیین شده در فرایند برنامه ریزی عبارت است از ساختار بخشی به کار سازمان، سازمان ها گروه هایی از افراد هستند، ب ایده ها و منابع که برای هدف مشترکی کار می کنند. مقصود از وظیفه برنامه ریزی بهترین استفاده از منابع سازمان برای نیل به اهراف سازمانی است. ساختار سازمانی یک چارچوب تصمیم گیری رسمی است که به وسیله آن وظایف شغلی تقسیم، دسته بندی و هماهنگ می شوند.

Directing

Directing or leading (motivating) tries to exhibit skills in these areas for getting others to play and effective part in achieving plans. Think of this part like conducting and orchestra. Everyone in the orchestra has the music sheet in from of him or her. They know which section is playing which piece and when. They know when to come in, what to play, and when to stop again. The conductor cues each section to make the music happen. This is similar to the managers' job of leading. Managers have given all musicians (workers), and the music sheet (the plan). They have the right number of musicians (workers) in each section (department), and have arranged the sections on stage so the music will sound best.

رهبری

رهبری (انگیزش) برای نمایاندن مهارت ها در این حوزه ها برای وادار کردن دیگران به مشارکت کردن موثر در رسیدن به اهداف می کوشد. به موضوع رهبری مثل اجرای یک ارکستر فکر کنید. همه افراد گروه ارکستر در جلوی خودشان آهنگ را دارند... آنها نی دانند کدام بخش در حال نواختن چه قطعه ای و د رچه زمانی است. آنها می دانند چه وقت داخل شوند، چه بنوازند و دوباره چه وقت توقف کنند. رهبر به هر بخش اشاره می کند که بنوازد. این مشابه وظیفه رهبری مدیران است. به مدیران همه نوازندگان (کارکنان) و صفحه نت موسیقی (برنامه) را داده اند. مدیران تعداد مناسبی از نوازندگان (کارکنان) در هر بخش (دپارتمان) را دارند و بخش ها را مرتب کرده اند پس موسیقی به خوبی نواخته خواهد شد (آنها کار را سازماندهی کرده اند).

بندهای باقیمانده برای تمرین دانشجویان ترجمه نشده است. دانشجویان می توانند با روش هنالات بندهای باقیمانده را ترجمه و

ویرایش نمایند.

Controlling

Controlling or monitoring means checking progress against plans, which may need modification based on feedback. At least two perspectives on role of control exist:

- 1. Top management expects to control everything, making all decisions, while middle and lower managers implement decisions, and production workers operate only as instructed.**
- 2. Top management does not decide the “right” way to do something, and lower-level shifts become involved in decision-making processes.**

Management Information System

Management Information System (MIS) is a subset of the overall internal controls of a business covering the application of people, documents, technologies, and procedures by management accountants to solve business problems such as costing a product, service or a business-wide strategy. Management Information Systems are distinct from regular information systems in that they are used to analyze other information systems applied in operational activities in the organization. The terms MIS and information system are often confused. Information systems include systems that are not intended for decision making.

MIS is sometimes referred to, in a restrictive sense, as information technology management. That area of study should not be confused with computer science. It service management is a practitioner-focused discipline. MIS Has also some differences with Enterprise Resource Planning (ERP) as ERP incorporated elements that are not necessarily focused on decision support.

Accounting Information System

An accounting information system (AIS) is the system of records kept by a business in order to maintain its accounting system. This includes the purchase, sales, and other financial processes of the business. The purpose of AIS is to accumulate data and to provide decision makers (investors, creditors, and managers) with information to make decision. While this was previously a paper-based process, most modern businesses now use software.